بازی بدون بازیکن

رفیعی امام، علی نقی

شاخص بورس تهران برای دومین بار از مرز روانی 10 هزار واحد پایین‏تر آمد.در هر دو مورد نیز دلیل عمده، موضوع انرژی هسته‏ای و تاثیر آن بر اقتصاد کشور بود. هر چه حد و مرزی را نمی‏توان برای شاخص در نظر گرفت و فراتر و یا فروتر از آن را دلیل بر رونق و یا شکست بازار بورس دانست،اما می‏توان تغییر رفتار سهامداران را،به عنوان بازیگران اصلی بازار،در سطوح‏ مختلف شاخص پیش‏بینی کرد.

جالب آنکه با وجود قابل پیش‏بینی بودن رفتار سرمایه‏ گذاران در بازار کنونی،پیش‏بینی آینده بازار یکسره‏ نامعلوم و نامشخص است.آینده بازار بورس ایران در این دوره،بیش از آنکه وابسته به چگونگی عمل بازیکنان‏ اصلی باشد متاثر از نحوه قضاوت داوران،ترکیب‏ تماشاگران و مهم‏تر از همه حامیان دور میدان است. بورس تهران هم اکنون شبیه استادیوم فوتبال پر از تماشاچی با انتظارات متفاوت،اوران کاملا حرفه‏ای و حامیان ثروتمند،اما فاقد بازیکن و توپ است.

روز پس از سقوط و چهار رقمی شدن شاخص،بیش‏ از 10 میلیارد تومان سهم روی میز کارگزاران بدون‏ مشتری باقی ماند و خریداری برای آن وجود نداشت. مقارن این رخداد،شرکت مخابرات توانست تنها در چند روز نخست پیش فروش سیم کارت تلفن همراه بیش از 1000 میلیارد تومان سرمایه سرگردان افراد را جمع‏آوری‏ کند و به سرمایه‏گذاری بدون ریسکی که حداقل 25 درصد بازده برای سرمایه‏گذاران دارد اختصاص دهد. در مقابل،حتی سرمایه‏گذاری حقوقی نیز در این روزها حاضر به خریداری و جمع‏آوری سهام عرضه شده در بازار نیستند.

بورس تهران در حالی سال 84 را پشت سر می‏نهد که‏ شاخص کل بیش از 20 درصد کاهش یافته و چشم‏انداز آتی نیز کاملا مشخص نیست.قیمت سکه در دو ماه‏ اخیر بیش از 20 درصد افزایش یافته است.همزمان از شمار خریداران سهام در بورس به میزان فراوانی کاسته‏ شده است.

هر چند بازار بورس جزیی از بازار ثانویه است و هر سهمی که در آن فروخته شود و توسط فرد دیگری‏ خریداری می‏شود و بنابراین نمی‏توان اصطلاح خروج‏ سرمایه را درباره آن به کار برد،اما می‏توان گفت که‏ عرضه بیش از حد سهام در ماه‏های اخیر،و تنزل مداوم‏ قیمت‏ها و شاخص بر اثر آن،سبب کاهش ارزش بازار سهام شده است.در چنین فضای سیاسی و اقتصادی، سرمایه‏گذاران ترجیح می‏دهند که دارایی‏های مالی خود را به سپرده‏های ارزی و یا سکه و طلا تبدیل کنند تا ارزش‏ واقعی سرمایه‏شان،دست کم،حفظ شود.این امر به نوبه‏ خود سبب افزایش تقاضا در بازار سکه و ارز و در نتیجه‏ افزایش قیمت آن تا پایان سال خواهد شد.

شاید تا قبل از ارجاع گزارش پرونده هسته‏ای ایران به‏ شورای امنیت همگان بر این باور بودند که کشورهایی‏ مانند روسیه و چین،به عنوان شرکای تجاری ایران،از این اقدام استقبال نخواهند کرد و به نفع ایران رأی‏ خواهند داد.این وضعیت سبب گشته بود برگزاری هر نشست و یا ارائه هر پیشنهادی از سوی این دو کشور باعث افزایش حاشیه امنیت در بازار شود و خریداران‏ روانه بازار شوند.اما اکنون،با توجه به عدم همکاری‏ این دو کشور با ایران و کنار آمدن با رقبا امید سرمایه‏گذاران تا حدودی به یأس مبدل شده است.به‏ این ترتیب بیشتر سهام داران جزء به فروش سهام خود اقدام می‏کنند و در مقابل حتی سهامدارای حقیقی تمایلی‏ به جمع‏آوری این سهام ندارند.در نتیجه شاخص کل‏ همچنان به روند نزولی خود ادامه می‏دهد و ارزش بازار به بیش از پیش کاهش می‏یابد.

شاید بتوان گفت که چنین وضعیتی تنها به نفع‏ سرمایه‏گذاران خارجی است که به تازگی مجوز خرید 250 میلیون دلار سهم برای‏شان صادر شده است.حتی‏ در بدترین شرایط سود نقدی خرید سهام برای گروه از خریداران بیشتر از سود سپرده گذاری در بانک‏های‏ است.

در این میان نباید از ارتباط میان ریسک و بازده در سرمایه‏گذاری‏های مالی غافل بود.تمام سرمایه‏گذاران، پذیرای ریسک بیشتر در قبال بازده بیشتر هستند،در واقع‏ با حذف محافظه کاری و رفع ترس از سرمایه،بازده‏ سرمایه‏گذاری در شرایط بحرانی به مراتب بیشتر از بازده‏ آن در شرایط طبیعی خواهد بود.تجربه سرمایه‏گذاری‏ در دوران جنگ،بمباران و یا حتی رکود بازار بورس در سالهای 75 و 76 در ایران مهر تأییدی بر ادعای فوق‏ است.جالب آنکه شرایط کاملا بحرانی به هنگام جنگ‏ اخیر آمریکا در عراق،بهترین فرصت را برای‏ سرمایه‏گذاری ایرانیان در عراق فراهم آورد.